



تیتراژ داغ

اعلام استقلال

کشور عاشوراییان

صفحه ۲

اسامی بخشی از خبرنگاران عانا

صفحه ۲

به علت کمبود جا در مراسم

حضور عزاداران در کوچه های اطراف مهدیه

صفحه ۲

حضور مسئولین شهر و استان در برنامه شب های گذشته

صفحه ۲

خوردنی ترین نشریه دانش آموزی می رود تا دیگر نباشد!

۲

آبروی ما را بردی!

۲

۹+۱ رسم!

۴

امانت را باید تحویل داد!

۴

The best of life is that which ever reaches upward and strives toward better things

سال دوم / شماره ۵۵
سه شنبه ۱۲ اسفند ۱۳۸۲
۱۰ محرم ۱۴۲۵
۱ مارس ۲۰۰۴

۱۰

خوردنی ترین نشریه دانش آموزی! مطالعه این نشریه برای افراد بالای ۲۱ سال ممنوع و خطرناک می باشد!

خلاصه سخنرانی ...

حجت الاسلام بیات / ۱۰ و ۱۱ اسفند

ویژگی سوم: شهادت طلبی است. مرگ در انسان ها یک حقیقت انکار ناپذیر است. اما چرا عده ای زبانی از مرگ فراری اند؟ یک عده چون حرس و طمع دارند. ایندوخته های پستان از دستشان برود. به تعبیر دیگر برآمدن خواجه نرد.

اگر بخوای عضو جامعه ارمانی امام زمان (عج) باشی باید شهادت طلب باشی.

نوجوان ها! باران را سبک کنید از گذشته و آینده. نه اینکه آینده نگر نباشد. دل بستگی به آینده نداشته باش. دلیل اینکه تزلزل در پاران حضرت راه ندارد. شهادت طلبی شان است. نه جنگ طلب باشند نه صلح طلب و رشوف و مهربانند ولی روحشان همیشه آماده پرواز است.

ادب های معمولی همیشه یک حق را می توانند در نظر داشته باشند. لذا به اهداف بزرگ ویژه نمی توانند برسند.

جامعیت یعنی همه حقوق را با هم به جا آوردن. وقتی در منویات می افتد پادشاه نرود فرزند پدرش است. دانش آموز مدرسه است. ... یعنی «خدا» محوری او به «من» محوری تبدیل نشود. این ویژگی مهم است ولی به دست آوردنش سخت نیست.

از کجا باید شروع کرد؟ از حداقل هایی که بقین دارید. اول انجام واجبات و ترک محرمات! حضرت علی (علیه السلام) می فرماید: «هیچ سودی ندارد مستحسی که به واجبات ضرر بزند».

خطری که بیخ گوش ماست، روش تک بعدی کردن اسلام است. می خواهی اهل معروف باشی باید امر به معروف کنی.

علی اسفر (علیه السلام) کوچکترین عضو جامعه ارمانی امام حسین (علیه السلام)، شخصیت جامعی است. در فضای عاشقی او با اختیار سرود میدان، اگر نه نمی توانست «باب الحوائج» باشد.

این روزها ، شوری در جامعه است ...

گروه اقتصادی

انها نقل کرده. شرکت جوان های سو قشنگ : طبسق نامه های شما ۱۲ سهام فروخته که خود کاهش بوده. علت آن چسب کردن یک کانتینر که از خارج می آمده بوده است و به دلیل از بین رفتن کالاهای این شرکت در حادثه فعلا این شرکت دچار بازار سیاه شده.

شرکت تپ های
غفن طبسق نامه های شما ۳ سهام فروخته که دو سهام کاهش داشته، علت آن را شما در نامه هایتان حال ندانستن بیان کرده اید که «بابا کی دیگه این روزهای روزگاری، حال داره در روز ۲۸ ساعت پای آینه تپ بزند»

شرکت موسیقی: ۲۶ سهام فروخته است که باز هم بیشترین فروش سهام از آن جناح سازمان اطلاعات بورس: به گزارش این سازمان جناح دوپ دوپسیما موسیقی پشت پردی با شرکت های جازیمی خارجی ساختند که دو میلیون دیش دیش در یک میلیونیم تالیه بوده که اولین رکورد جهانی بوده است این سازمان بیان کرد که آمار تلفات انسانی روحی و روانی این آهنگ به میلیون ها نفر در داخل و خارج می رسد که پزشکان متخصص برای جبران این ضایعه چندین قرن فرصت خواسته اند رئیس جدید شرکت موسیقی بیان کرده که با متخلفان این واقعه برخورد جدی خواهد شد در این حادثه

بیشتر فروش داشته آینه فروش اقلام آن زیاد بوده مخصوصاً دستگاه دیگر نقد کنی. کارخانه دستگاه خود نقد کنی به دلیل فروش کم را کد مائده و در سدد رابزنی هایی برای پشتوانه ی تولید خود است.

شرکت انسان های دروغگو: طبق نامه های امروز شما دو سهام فروخته که باز هم کاهش داشته (علتش همان توبه نامه کذابی است)

سازمان اطلاعات بورس: به گزارش این سازمان این شرکت فعالیت هایی را برای عوض کردن و بزرگ تر کردن آنتن های بشقابی خود کرده و چون این هزینه در داخل نیست و تولیدات داخلی جواب نمی دهد شروع به واردات آنتن کرده که با قیمت ارزان یکی از طرفداران

بازار بورس

تاریکشت (محرمانه)

سلام رئیس جدید بورس گزارش می دهد. نمی خوام بگم نقطه سر خط. چون حرف دارم چون رگم می خوام بگم خدا حافظ نه اینکه بورس تعطیل شد برای اینکه دیگه تریبونی نیست که گزارش بورس را بدهد اما از خرید سهام شما غافل نباشید اگر دوباره کاغذ نوی بازار آمد و تریبونی هم به ما دادند ادامه گزارشات را خواهیم داد پس گریه نکنید! (این هم به خاطر اینکه بگم حرف هام رویتان تأثیر داشته) در ضمن این روزهای آخر شرکت های جدیدی آمدند.

توجه توجه: شرکت عشق به حضرت عشق اعلام کرد که به خاطر فروش زیاد سهامش و عوامل بسیار دیگر تصمیم به تأسیس یک شرکت جدید در بورس کرده که خود پشتوانه ی آن است نام این شرکت طرفداران شهادت است و شرایط آن را این شرکت، خرید بیشترین سهام از شرکت عشق به حضرت عشق (ع) بیان کرده همچنین شرکت طرفداران عبرت ها نیز تأسیس شده این شرکت هم از همین حالا فروش بسیاری داشته مخصوصاً سهام عبرت های عاشورای آن.

حالا می رویم سراغ خبر های بورس فرقی هم نمی کند که داریم خدا حافظی می کنیم.

شرکت آزادی: این شرکت ۳۹ سهام فروخته که یک درصد رشد داشته البته ۳۰ سهام آن مال جناح آزادی بوده جناح آزادی (پس قید) به خاطر وامی که این شرکت از طرف یکی از نمایندگان های شرکت انسان های دروغگو دریافت کرده (البته این قسار داد وام خیلی مخفی است) و برای همین این جناح توانسته بوسترهای جدیدی برای تبلیغات خود در سطح جامعه توزیع کند (امان از آب و رنگ) کمیته مقاسد بورس بیان کرده که به این وام رسیدگی خواهد کرد.

شرکت طرفداران ورزش: طبق نامه های شما یازده سهام فروخته که یک سهام از روز قبل افزایش یافته که علت آن بیشتر در نامه هایتان بازی های اخیر و مسابقات رزمی بوده است.

شرکت طرفداران سپاهان: شش سهام فروخته که با روز قبل تفاوتی نمی کند علت آن مساوی کردن بازی با آن طرف خلیج فارس ها بوده.

شرکت انسان های منتقد: طبق نامه های شما ۱۲ سهام فروخته که دو سهام از روز قبل

اگر احیاناً دو شب پیش چشماتان به یک گروه فیلم برداری از شبکه ی ... افتاده امیدواریم زیاد تعجب نکرده باشید چون آنها یک گروه تحقیق اولیه بوده اند و گفته می شود حضور آنها بهانه های برای بردن بازیگران برنامه ی حرکات نمایشی اسما به پایتخت برای حضور در چند فیلم سینمایی بوده است.

عزاداری داخلی از نوع سلحشوری
طبق قولی که مسئولان ستاد اجرایی اسما به اعضای دست اندر کار برنامه های محرم داده بودند این بار بعد از انعام برنامه ی اصلی، سه شب عزاداری داخلی و فقط و فقط مخصوص اعضای شاخه نازک دیده اند که حضور مداح محبوب بچه های عاشوراییان یعنی حاج مهدی سلحشور در یکی از این شبها حتماً به جلسات رنگ و بوی خاصی می دهد. اعضای شاخه مکان جلسه را هم می توانند از مسئولان بپرسند.

اسکوروت نشریه
دو شب پیش مسئولین امتیازی نشریه به لحاظ بر طرفدار بودن نشریه ی ۱۲۰۲۳ ماشین حامل نشریه را که از محل چاپ نشریه (که نامش محرمانه است) توسط چندین دستگاه موتور سیکلت اسکوروت کردند تا اینکه ماشین را به سلامت به محل رساندند اما ظاهراً به محض اینکه طرفداران متوجه شدند که آن ماشین حامل نشریه است به طرف آن هجوم آورده خواستار گرفتن نشریه آن شب شدند اما خوشبختانه بادی گاردها توانستند تمام نشریه را به سلامت به محل تا زدن نشریه برسانند.

طبق آخرین آماري که از تعداد شرکت کنندگان در برنامه ی محرم اسما! مجموعه ی فرهنگی عاشوراییان در مهدیه ی اصفهان به دست آمده است، در طول یازده شب برنامه های این مجموعه حدود ۷۰۰۰۰ نفر در این مراسم شرکت داشته اند که بالاترین میزان شرکت مردم مربوطاً به شب عاشورا می باشد.

روزنامه جام جم

صفحه نسل سوم

آرزی برگزیده شب هشتم کاشکی من هم مثل عباس فدای حسین بشم.

آرزی برگزیده شب نهم خدایا آنچه به عباس بخشیدی به ما هم بخش.

آپارتمان نویسندگان



یک آدم دوست داشتی

ورزش

کوتاه کوتاه

صبح های روی دیوار ...!

بدون مقدمه

وقتی به خود اومدم که دیگه یک روز از دهمه اول محرم مونده بود اصلاً باورم نمی شد که ۹ روز از دهمی محرم و ۱۰ شب از برنامهی عاشوراییان گذشته و فقط یک شب دیگر مانده، باز باید تا یکسال دیگه صبر کنم تا دوباره چنین جمع دوستانم داشته باشم و با هم بتونیم دیدار تازه کنیم و گپ بزیم.

طبقه ۴

سر دبیر نخواند و نفهمد!

اسمال من یکی از کسانی بودم که با هزار و یک بدبختی یکی از طبقه های آپارتمان را خریدم درست یک چهار دیواری ... ولی این چهار دیواری برای من بسیار تنگ بود و نتوانست من را قانع کند مانند زندان انفرادی که حتی یک ساعت هم به بیرون از آن نمی توانستم بیام.

طبقه ۳

زیبا! با من سخن بگو ...

تا حالا شده که شیشه ای به چیز زیبا بشی؟! وقتی اون زیبایی رو می بینی فکر می کنی که تنها زیبایی دنیا اونیه. مثلاً وقتی زیبایی گل رو می بینی، حس می کنی که تنها گل زیبای دنیا اون لونه وقتی به گل زیباتر از گل قبلی رو می بینی می فهمی که همیشه زیباتر از زیبا هم هست یا وجود داره اما من از میون تمام زیباییهای دنیا به زیبایی رو می شناسم که نه رنگ کهنگی می گیره و نه زیباتر از اون تو دنیا پیدا می شه!

طبقه ۲

طبقات آپارتمان به فروش می رسد!

زمانی که چشم من به آپارتمان می افتد نظر به جامعه خودمان می افکنم که مانند آپارتمان دارای طبقات است. طبقه بالا، طبقه میانی، طبقه پایین. من از بچگی دوست داشتم همیشه خیلی ثروتمند بودم و به قول حالا ای ها پولدار و جزو طبقات بالا بودم حالا که کمی بزرگ شده ام دیگه این فکر را نمی کنم با اینکه می بینم زندگی در طبقه بالا بسیار راحت است ولی من طبقات این امتحان مشکل را ندارم و حالا دوست دارم جزو طبقه متوسط باشم زیرا به نظر من طبقه بالا و پایین یک امتحان الهی است طبقات بالا را با دان نعمت زیاد از جمله ثروت، قدرت ... می سنجد که باید خودش حال آن را عادلانه تقسیم کند. و اگر غرور گرفتار شود یا متکبر و فخر فروش شدند خدا به فریادشان برسد. که می گویند خدا از حق حق و حق الناس می گذرد و از حق الناس نمی گذرد و طبقات پایین هم با فقر همانطور که حضرت علی (ع) می گوید اگر فقر از یک درآید ایمان از در دیگر می رود. البته بعضی از این افراد اینقدر ایمانشان محکم و استوار است که این امتحان های دنیوی فریشتان نمی دهد و حاضر نیستند ثمره این همه تلاش را با چند روز دنیا پنبه کنند خوش به حال آنها که واقعاً آزاده هستند مانند:

طبقه ۱

برخیز هم نفس هنگام خواب نیست!

اینجا انقلاب پاران امام حسین (ع) است اینجا قلبها به هم نزدیک و هدفها یکی است. آنهم برای رضای خدا. خوشا به حال آنکند که در این راه شهادت را انتخاب کرده اند و در این قافله سواران باخته اند. عاشوراییان هم قافله دار. آنهم قافله کربلا و شهادت. این قافله از جان گذشتگان و رسیدن به کربلای حسینی است هر کس از جان گذشته است یا ما بیایید.

پاران

نشریه در آوردن در عصر پیتزا و هاگ !!



بچه ای مثبتی که در عرض شش هفت ساعت دفتر نشریه را از یک انبار به یک دفتر آبرومند تبدیل کرد. (نوجوه! ایشان معجزه نمی کنند!!)

سلام، خدا حافظ، سلام به تمامی شما عزیزانی که در این مدت کوتاه که باشگاه دوست یابی ما تأسیس شده بود با ما همراه بودید، برابمان نوشتید از دوستی هایتان، دلایل دوستی هایتان، دعا برای تداوم آنها، مانند ما، این باشگاه شروع و عمق بخشیدن به دوستی های شما ستاره های آسمانی با خورشیدهای واقعی یعنی چهارده معصوم عزیز و دوست داشتنی بوده است. هدیه فرستادید برابمان از سندهای اسلک مختلف با مترهای بالا گرفته تا سندها ماشین های مدل بالا و سرکلیدی گران قیمت و شکلات کاکائو، ولی با همه این حرفها بخشید که به دلیل کثرت مطالب رسیده برای باشگاه نتوانستیم تا این شماره از نشریه تعدادی از آنها را در ستون باشگاه دوست یابی چاپ کنیم، اما به نشانه تشکر تمامی دوستان با برابمان را چاپ می کنیم تا بدانند که همه مطالب و نامه هایشان به دست ما رسیده است. امیدواریم که این ارتباط دوستانه همچنان بین شما و خورشیدهای واقعی عالم هستی ادامه داشته باشد. فعلاً خدا حافظ

را می خداند البته سر و سامان دادن به این همه کارها و یک خبرگزاری تازه تأسیس خیلی سخت است. آقای حسین طهماسبی زحمت این بخش را می کشید.

نظاره گر عشق

تصویر خدا ... توی آسمون ابری

تا حالا فکر کردی چرا وقتی توی هوا ابری می شه دلت می گیره، چرا هوای گرمی که در دلت می خواد با پرستوها به یه دیار دوست صفر کنی. به جای دوره، به سوز زمین باکی ها، اون جا که همه چیز به سبیدی برفه و به لطافت شبتم. وقتی هوا ابری می شه آدم حس غربی داره. به احساس تنهایی، انگار به یه سوز زمین دیگه تعلق داره. انگار از خودش فاصله گرفته. من فکر می کنم این به احساس مشترک بین همه آدم.

مريم قاسمي

اتاق ۳

اتاق ۲

اتاق ۱

بیتامین قاسمی



امانت را باید تحویل داد ...

مهر حسین کبیا



تمام شد، این ده شب تمام شد، بیرون نوبی حیاطا یه فاخته داره می‌خونه انگار همه‌ی غم‌های عالم ریخته روی سرم. حسین با همه‌ی جذابیت‌هایش نیست، دلم می‌خواد با یکی حرف بزنم. یکی که عین حاج حسین مرد باشه، بفهمه چی می‌گم. ادمی که نمی‌تونه به خودش دروغ بگه. به همین خاطر مجبوره جلوی گلوله بره، بعضی وقتا که حافظ می‌خونم یا به خدا شکایت می‌کنم که تو من رو تنها گذاشتی و رفتی و ... به نفر از دورتم بلند می‌گه غلغله کردی! حالا هم دارم سسزی پاک می‌کنم. بی خودترین کاری که می‌تونم انجام بدم اگه امانتم (همون بانک متحرک) نگفته بود عمراً نمی‌کردم. هر تره‌ای که خرد می‌کنم بیشتر فسو می‌رم. توی فسو، فکر اینکه کوچولوام، فکر اینکه بزرگ بود اینکه باید شروع کنم و اون که بار خودش رو بست.

چپ دست نبود، چپ دست شده بود. و حالا منتظر بود. که خدا بقیه‌اش را تحویل بگیرد. می‌ترسید دستش پماند خراب شود. امانت بود. امانت را باید تحویل داد ...

مهم نیست که مثل اون بشم یا بزرگتر. مهم اینه که کیمیا باید شروع کنه از یه جایی که نیوسه. بیرون هوا خرابه نمی‌دونم شاید می‌خواد بارون بیاد شاید ... «ساد می‌اسد از آمدنش بدم می‌اسد از اینکه بر سر و صدا بود. خیلی‌ها بودند که می‌آمدند می‌رفتند. انقدر که هیچ کس نمی‌فهمید ولی باد شلوغ می‌کرد. همه چیز را بهم می‌ریخت، همه کس را خیر می‌کرد.

حسین در باد ایستاده بود. او هم از ساد گله داشت. باد آسین خالی اش را تکان می‌داد. شلوغی می‌کرد.

چیزی نبود! قبلا بر بود حالا خالی شده بود. هنوز یکی دیگر برایش مانده بود. چپ دست نبود. چپ دست شده بود. و حالا منتظر بود. که خدا بقیه‌اش را تحویل بگیرد. می‌ترسید دستش پماند خراب شود. امانت بود. امانت را باید تحویل داد ...

معراج عشق



یک کاسه گیلان
به خاک پاک مدلس حضرت تشهدا علیه‌السلام اینک از آخرین گزانه تدبیر با نخستین ترانه عشق گذشتمام و در پیشاوری عزم نوجوان خویش دریا دریا نیزه و تیغ می‌بینم از رنگ و تیزنگ یاد تو را حرز امان ساختمام و به معراج عشق تو امدمام که خدای گذشته و آینده منی

ادیم
که از پاره‌ای گل، با روح ولایت تو جان گرفتمام و فرشتگان یکسر به نور تو سجده می‌کنند که از چشمان من می‌افروزد و در پیش نام تو فرو می‌افتد که از لبانم می‌تراود

هابیلم
که بهترین داشته‌هایم «جوئی» را به آتش یاد تو در اتناختمام و می‌بینی که این آمدن‌ها و رفتن‌ها این گهنة شدن‌ها، این بیمار شدن‌ها و پیر شدن‌ها همه برای توست

موسایم
که از فرعون و قارون گریختمام در دامن خضر آویختمام، دست در گردن اتناختمام و شبان آوارهی دل را به میقات شبان طور آوردمام

نوحیم
که روزگاران دراز ریشخند کسان را به سخره گرفته‌ام و در برهوت تجدد از درد کهنه‌ت سفینه نجات ساختمام و بر آن همراهان را دو گانه نشاندم و از غرقاب گمراهی و تیره بختی رهادمام دو چشم را خیره در نگاه تو، دو پای را رهنمود راه تو دو دست را آویخته در دامانت دو گوش را به انتظار فرمائست

عیسایم
که در هر کوی و بازار بانگ عشق تو برآوردمام و به اعجاز نامت مردگان را زنده کردم و اینک می‌تکری قوج قوج زندگان برخاسته از گور را

سلیمانم
که از بندگی تو پادشاه جهان شده‌ام و بر تخت باد نشسته و کوی تا کوی را به زیر پای کشیده‌ام و می‌بینی که آس و جن در خدمت این خدمتگاری صف در صف ایستاده‌اند

ابراهیمم
که از این به ان خانه گشتمام ستاره را در خانه به ان گشتمام ستاره را در پی ساه و ساه را در پی خورشید رها کرده‌ام و اینک از خاک سر در آوردمام در آتش افتادم و جز تو نخواستمام تسر برداشتمام و هر که جز تو را در شکتمام تیغ «بابی لنت و اسی» برگرفتمام و به رهنمود بیدارترین خواب دل بر گلوی عزیزان خود نهادمام

آرزوهای بزرگ
خود را برای پسری که می‌خواهد خرید فوری

خوشی زودگذر موجود است ...
تلخ ۹۱۳

آخرین کتاب دستور العمل کنترل جوامع بشری
تپیه شده توسط مرکز بین‌المللی کنترل حکومتها

به یک مرد نیاز مندیم

نیازمندیهای سیدالاستاد
از سال قبل که آگهی‌های سیدالاستاد در نشریه چاپ شده تعداد بی‌شماری از خوانندگان نسبت به این سون اعلام نظر نموده و آنچه نقطه اشتراک همه نظرات بوده اینست «هیچکس سیدالاستاد نیست» به هر حال چون این موضوع از دایره اشتراک نشریه و سردبیر خارج است لذا سرادجه روح آگهی‌های جدید ایشان اقدام می‌نمایم ضمناً از بازبین هر گونه آگهی حتی با بالاترین قیمت معذوری.

10

یک، دو، سه
خوردنی ترین نشریه دانش آموزی!
نشریه داخلی
ویژه محرم ۸۲
با همکاری یک کلینون از نوجوانهای دانش آموز!
ادرس پستی: اصفهان / صندوق پستی ۳۳۵-۸۱۴۴۵
www.123-a.com

The Most Eating Student Publication!

رسم است که در شماره آخر یکجوری وانمود می‌کنند که گویا جمعیت انبوهی منتظرند که از یک جایی آرشو نشریات را بگیرند که ما چون نشریه‌هایمان به خودمان هم نرسیده هیچ قولی نمی‌دهیم.

رسم است که در شماره آخر از کپی آدم تشکر می‌کنند که مثلاً اگر همکاری آنها نبود نشریه چاپ نمی‌شد، اما چون کسی چه ما کمک اینجانی نکرد تشکر نمی‌کنیم.

رسم است که در شماره آخر فضای دفتر نشریه را یکجوری پر از احساسات و عواطف و مهرانی نشان می‌دهند، اما دفتر ما اینطوری نبود.

رسم است که در شماره آخر فضای دفتر نشریه را یکجوری پر از احساسات و عواطف و مهرانی نشان می‌دهند، اما دفتر ما اینطوری نبود.

رسم است که در شماره آخر فضای دفتر نشریه را یکجوری پر از احساسات و عواطف و مهرانی نشان می‌دهند، اما دفتر ما اینطوری نبود.

۹+۱ رسم!

رسم است در شماره آخر از همه تقدیر و تشکر می‌کنند، که ما این کار را نمی‌کنیم چون یکجورهای کار تکراری و کلیشه‌ای است.

رسم است که در شماره آخر همه آه فراق سر می‌دهند که بله ما خیلی به هم عادت داشتیم و حالا داریم می‌رویم و نمی‌دائیم چه باید کرده که باز ما این کار را نمی‌کنیم.

رسم است در شماره آخر قول می‌دهند که دوباره منتشر شوند ولی ما هیچ قولی نمی‌دهیم.

رسم است که در شماره آخر به خاطر نقاط ضعف نشریه عذرخواهی می‌کنند، که ما به دلیل مبارزه با این عادت تکراری این کار را نمی‌کنیم.

رسم است که در شماره آخر دلیل تعطیلی را مسائل مالی یا فشارهای روانی می‌گویند، که ما چون دلیلش تمام شدن مراسم است از آن حرف نمی‌زنیم.

آرمان هستم ...

بچه‌ها خدا حافظ!

آرمان هستم ... دوست آرین و حالا دیگر دوست شما. آرمانی که اسامی بنا به درخواست سردبیر مهمان شما بود و شاید هیچ وقت دیگری برای حرف زدن نیاید. یک خانمی مطلب دادند و ادعا کردند که ازروز، خواهر من هستند. باید عرض کنم که من خواهر و برادر ندارم و به قول معروف یکی به دونه هستم، خواهش می‌کنم به این سردبیر محترم هم گیر ندهید تا نامن را آجر می‌کند!

آرین بچه‌ی شاد و شنگول، شاد و بانمکی است. بعضی مواقع کارهای وارونه هم می‌کند. اما در کل پسر خوبی است و من خوشحالم که دوستی مثل او دارم. البته تصدیق می‌کنید که بعضی کارهای او واقعاً توجیه ندارد.

از اینکه برایمان مطلب دادید و آرین را در راه اصلاح خود کمک کردید ممنونم. حرفی نیست. خدا حافظ.

راهبای برقرار ارتباط در مدیریت مهم است.

آرین در مدیریت، از تجربه دیگران استفاده می‌کنند.

هر مدیری باید زیر دستانش هم توجه کند.

اما در این مواقع نباید دست و پایش را گم کند.

مدیریت پیچیدگی‌های بسیاری دارد.

آرین به عنوان یک مدیر باید مکتولوزی روز هم آشنا باشد.

مدیریت زمان هم باید ترفی داشت.

و این بود که ستم راهبای بود برای کارکنان تجاربه آرین!

بر انداختن پاره‌ها کشیدن ...

آخرین فرست برای عضویت در مجموعه فرهنگی عاشوراییان

شوراییا